

معامله باطل و غیر نافذ

در رأس منابع حقوق دینی که یکی از قسمتهای مهم خصوصیات حقوق مدنی بشمار میرود. عمل حقوقی مجاز اشخاص (اعم از مثبت و منفی) قرار گرفته .

عمل حقوقی ابراز اراده ای است که بر اثر آن ایجاد یا تغییر و یا اسقاط حق میشود .

عمل حقوقی مجاز را کلیتاً معامله حقوقی مینامند و گرچه اصطلاح معامله برای انواع مختلف عملیات حقوقی چندان مناسب نیست چه کلمه معامله ابراز اراده دوطرفی (عقد) را فرض دارد و اراده یک طرفی (ایقاع) مشمول آن نخواهد بود مع الوصف نظر بتسلط در جریان مدنی اظهار اراده دوطرفی معمول گردیده هر عمل حقوقی مجازی را (اعم از عقود و ایقاعات) که بین افراد جامعه صورت میگیرد معامله حقوقی مینامند .

از این لحاظ آنچه بشرح آتی راجع بعدم صحت معامله بیان میشود شامل کلیه معاملات - قراردادهای - تعهدات و سایر عملیات گوناگون مجاز حقوقی میباشد .

بنحویکه از مقررات قانون مدنی استفاده میشود عدم صحت معامله بدو قسم اساسی تقسیم میگردد : باطل و غیر نافذ .

گرچه در بعضی مواد قانون مزبور نوع عدم صحت معامله صراحتاً قید است لیکن در بیشتر مواد - مربوطه به معاملات غیر صحیح چنین تصریحی ملاحظه نمیشود و اینکه آیا معامله باطل و یا غیر نافذ میباشد قانون ساکت است و از طرفی هم چون برای تشخیص و تفکیک دو مفهوم فوق الاشعار مقیاسی وجود ندارد لذا در اغلب موارد بحث مبهم میماند و نتیجتاً نمیتوان معلوم نمود معامله غیر صحیح مورد نظر از زمره معاملات باطل است یا غیر نافذ .

قابل هیچگونه تردیدی نیست که در هر دو صورت فوق الذکر معامله غیر صحیح تلقی و رابطه بین طرفین بحال سابق عودت داده میشود و آثار چنین معامله غیر صحیح مرتفع میگردد ولی با این حال بواسطه عدم وجود حد فاصل بین دو امر مزبور تفکیک معامله باطل از غیر نافذ که از نظر حقوق مدنی اهمیت بسزائی دارد در عمل خالی از اشکال نمیباشد .

برای اینکه مشکل مزبور برطرف گردد و موضوع لااقل تا حدی روشن شود بایستی به مقررات قوانین جاریه مدنی ما توجه بیشتری نمود چه با تعمق و دقت در مفاد بعضی از قوانین جاریه نتیجه مطلوبه بدست خواهد آمد .

یکی از مواد مورد نظر ماده ۶ آئین دادرسی مدنی است که میگوید « عقود و قراردادهائی که محل نظام عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه است در دادگاه

معامله باطل و غیر نافذ

قابل ترتیب اثر نیست. « یکی دیگر ماده ۹۷۵ قانون مدنی میباشد که بشرح زیر تدوین شده « محکمه نمیتواند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا بواسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا بعزت دیگر که مخالف بانظم عمومی محسوب میشود بموقع اجراء بگذارد. . . . الخ و سایر مواد از این قبیل مشخصات عمومی مفهوم معامله باطل را روشن میسازد.

از مفاد دوماه فوق الذکر بالصراحه استنتاج میشود که عدم رعایت مقررات نظم عمومی و اصول اخلاق حسنه موجب بطلان عقود و قراردادهای و بطور کلی هر معامله ای خواهد بود.

نظم عمومی یا باصطلاح دانشمندان مغرب «ordre public» که در قوانین ایران نیز بدان اشاره شده شرط اساسی حسن حاکمیت یک کشور است که برای استقرار امور داخلی و خارجی آن - ضرورت دارد - برقراری نظم عمومی بوسیله مقررات و قوانین عمومی تأمین میشود و چون بموقع اجراء گذاردن مقررات مزبور برای تمام جامعه قطع نظر از اراده افراد جدا گانه الزامی است علیهذا هیچ یک از معاملات و قراردادهای خصوصی که بمنظور اخلال یا عدول از مقررات حفظ منافع عمومی بعمل آید صحیح شناخته نخواهد شد و سبب آنست چنانچه قوانین مزبور اجراء نگردد یا بعبارت واضح تر ممانعت مطلق قوانین عمومی مراعات نشود نظم عموم از بین خواهد رفت و بالتیجه استقلال مملکت نیز بتدریج متزلزل خواهد شد - از همین جهت است که مقنن ایران برای حفظ نظم عمومی از اجراء بعضی قوانین خارجی و سرایت نفوذ مضر کشور بیگانه جلوگیری مینمایند.

از طرفی هم چون قصد طرفین طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی یکی از شرایط اساسی صحت معامله است و مبنای حقوقی آنرا تشکیل میدهد لذا چنانچه قصد معامله عدول از مقررات حفظ نظام عمومی و یا برخلاف اخلاق حسنه بوده و بطور کلی چنانچه قصد متعاملین رسیدن بچیزی که قانون آنرا منع کرده باشد معامله باطل شناخته و در محاکم غیر قابل ترتیب اثر خواهد بود.

مثال

(۱) در کشوری که استعمال مشروبات الکلی مطلقاً منع شده باشد معامله راجع بمشروبات مزبور باطل تشخیص خواهد شد و هیچگونه اثر قانونی نخواهد داشت.

(۲) بر طبق ماده ۲۰۷۱ قانون مدنی هر یک از مرد و زن میتواند برای عقد ازدواج و کالتی بغير بدهد و اگر فرض کنیم یک نفر ایرانی با استفاده از قانون نلی خود و کالتی باین منظور برای ثلثی مقیم کشور دیگر که بین عقد نکاح و سایر معاملات فرقی قائل است و وکالت در نکاح را غیر جایز میدانند بفرستد مسلماً مطابق قوانین عمومی کشور مزبور این وکالت و قرارداد ناشی از آن باطل و باعث جریحه دار نمودن احساسات جامعه خواهد بود.

معامله باطل و غیر نافذ

همچنین در موردیکه معامله از حدود شخصیت حقوقی طرفین منحرف گردد معامله باطل خواهد بود.

اصول و قواعد حقوق فعلی از قواعد زمان دیرین کاملاً انصراف حاصل نموده باین معنی که در زمان قدیم‌الایام بعضی طبقات مردم محروم‌الحقوق بوده و مثل اشیاء مورد معامله واقع میشدند و حتی زیست و مرگ غلام در دست ارباب بوده و او میتوانسته طبق حق مشهور به «Jus uit eacncis» که در رم قدیم قبل از دوره میلادی اجرا میگرددیده غلام را بقتل برساند.

برخلاف این صفحات سیاه تاریخی حقوق کنونی که عدالت اجتماعی را هدف خویش قرار داده دیگر بین طبقات و افراد جامعه تفاوتی نمیگذارد و در عصر حاضر هر فرد زنده قطع نظر از سن و رشد و وضع روحی وی شخص در حقوق شناخته میشود یعنی میتواند صاحب حقوق و تکالیف باشد و بعبارة اخری هر فردی از افراد جامعه بلا استثناء دارای شخصیت حقوقی (که معنی اصلی آن قابلیت داشتن حقوق و تکالیف است) میباشد. لیکن در بعضی موارد بواسطه یک سلسله موانع از قبیل تابعیت - مذهب - ملیت - و غیره شخصیت حقوقی اشخاص تحدید میشود و در نتیجه بعضی اختیارات از آنان سلب میگردد و در چنین مواردی که معامله از حدود شخصیت حقوقی متعاملین تجاوز نماید معامله نیز باطل شناخته خواهد شد.

مثال

۱) بموجب قانون مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ چون تبعه خارجه نمیتواند در خاک ایران املاک مزروعی داشته باشد لذا اگر چنین معامله ای با تبعه خارجه صورت گیرد معامله باطل خواهد بود.

۲) چنانچه برخلاف ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی مرد غیر مسلم بازن مسلمه ازدواج نمایند عقد مزبور باطل و فاقد اثر قانونی است.

اما معاملات با اشخاصیکه دارای اهلیت حقوقی نیستند یعنی توانائی انجام عملیات حقوقی را ندارند مثل یکنفر غیر رشید هر چند هم قانون مدنی بشرح ماده ۲۱۲ این معاملات را بواسطه عدم اهلیت مطلقاً باطل میداند مع الوصف نمیتوان در هر مورد معاملات مزبور را غیر صحیح و باطل دانست. چه مقررات ماده نامبرده منحصرأ برای حفظ منافع اشخاصیکه اهلیت ندارند وضع شده و از این لحاظ کسیکه توانائی انجام معامله داشته نمیتواند باستناد عدم اهلیت طرف خویش ایرادی بمعامله نماید و از انجام تعهد خود امتناع ورزد بنا بر این نسبت بعدم صحت این قبیل معاملات ایراد فقط از طرف اشخاصیکه اهلیت ندارند پذیرفته میشود. با اینحال بعضی عملیات اشخاصیکه فاقد اهلیت بوده مطلقاً باطل میباشد مانند وصیت نامه اشخاصیکه بسن بلوغ مدنی نرسیده باشند.

یکی از علل دیگر بطلان معامله عدم رعایت تشریفات تنظیم است که قانوناً الزامی میباشد و این امر در صورتی مصداق پیدا خواهد نمود که شکل معامله اسکلت

معامله باطل و غیر نافذ

(Corpus) آن بوده باشد مثلاً اسکلت سفته و وصیت نامه شکل کتبی مقرر است - به بیان دیگر عدم رعایت صورت ظاهر معامله که باراده طرفین قابل تغییر نیست بمنزله آنست که اصلاً معامله واقع نشده است.

برطبق مادتين ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت اسناد معاملات راجع بعین یا منافع اموال غیر منقول و همچنین صلحنامه - هبه نامه و شرکت نامه باید مطابق مقررات مثبت برسد و الا بلسور ماده ۴۸ قانون مزبور در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد. بشرح مقررات فوق قانون گذار ایران برای اینکه اسور جامعه مستقر باشد و جریان مدنی متزلزل نگردد ثبت معاملات فوق الذکر و بالاخص ثبت معاملات راجع باموال غیر منقول را ضروری دانسته است.

ردیف دوم معاملات غیر صحیح معاملات غیر نافذ هستند که نمونه ای از آن در ماده ۲۱۸ قانون مدنی عبارت زیر تشریح گردیده « هر گاه معلوم شود که معامله بقصد فرار از دین واقع شده آن معامله نافذ نیست » .

و همچنین بموجب ماده ۲۴۷ قانون مزبور « معامله بمال غیر جز بعنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آنرا اجازه نمود در اینصورت معامله صحیح و نافذ میشود . »

یکی دیگر از شرایط اساسی صحت معامله اراده آزاد و صحیح متعاملین است و چون در غیر اینصورت اراده شخص معیوب و معلول میباشد معامله نیز صحیح نخواهد بود مثلاً معامله که در اثر اکراه یا اشتباه ایجاد شود غیر نافذ خواهد بود بنحویکه ماده ۱۹۹ قانون مدنی در این باب صراحت دارد: « رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست . »

در هر حال بادقت بمفاد مواد مربوطه قانون مدنی بخوبی معلوم است که معامله غیر نافذ بالنسبه غیر صحیح تلقی میشود زیرا عدم صحت آن راجع است فقط بمتعاملین و سایر اشخاص ذینفع مثل طلبکاران متوقف معامله غیر نافذ برخلاف معامله باطل بعداً مورد گفتگو و مناقضه قرار میگیرد و نتیجتاً ممکن است از طرف اشخاص ذینفع تصحیح و تکمیل گردد و نفوذ پیدا کند و مادامیکه از طرف متعاملین و سایر اشخاص ذینفع اقامه دعوی نشود و حکم بر عدم صحت آن از دادگاه صادر نگردد اثرات حقوقی خویش را از دست نخواهد داد و در قوه خود باقی خواهد بود .

بنا بر این با توجه بمراتب گفته شده تفاوت بین دو مفهوم حقوقی فوق الذکر منحصرآ بدینقرار است :

اولاً - معامله باطل چون حقوق عمومی را مختل میسازد و عدم صحت آن مربوط بتمام جریان مدنی است جنبه عمومی دارد ولی معامله غیر نافذ که راجع است باشخاص معدودی جنبه خصوصی دارد .

معامله باطل و غیر نافذ

ثانیاً - اعلام عدم صحت معامله باطل قطع نظر از ایراد متعاملین برعهده هیئت حاکمه میباشد و دادگاه که نماینده آنست باید (Ex officio) ضمن برخورد با معامله باطل بطلان آنرا اعلام دارد و حال آنکه در مورد معامله غیر نافذ دادگاه ساکت است و فقط اشخاص ذینفع خواستار عدم صحت معامله میشوند.

ثالثاً - در مورد معامله باطل اثرات حقوقی فرضی آن بحکم خود قانون ساقط میشود ولی در مورد معامله غیر نافذ اثرات حقوقی جاریه آن بموجب حکم دادگاه برطرف میگردد.

رابعاً - فرق فاحشی که بین معامله باطل و غیر نافذ موجود است موضوع مرور زمان میباشد - برحسب اصل کلی هر حق پس از گذشتن مدتهای مقرر مشمول مرور زمان خواهد گردید و از این رو چنانچه در مورد معاملات غیر نافذ ایرادی نسبت بعدم صحت آن از طرف اشخاص ذینفع بعمل نیاید این حق ساقط خواهد شد و حال آنکه در مورد معامله باطل هیچ مرور زمانی عدم صحت آنرا از بین نخواهد برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی